

امنیت هویت و الگوی اسلامی - ایرانی توسعه

سمیرا متقی *

افشین متقی **

علی کرمی ***

چکیده

در فرایند پر فراز و نشیب توسعه، تغییرات نسبتاً زیادی در ارزش‌ها، هنجارها، عادات و رسوم جامعه به وجود می‌آید و توسعه هم نیازمند حفظ امنیت مبانی فرهنگی و هویتی و سازگار نمودن مؤلفه‌های توسعه با این مبانی است. همچنین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، راهنمای توسعه کشور به‌شمار می‌رود که در اسناد رسمی و کلان کشور از جمله سند چشم‌انداز توسعه و قانون اساسی نیز منعکس شده است. سؤالی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که امنیت هویت اسلامی - ایرانی چه تأثیری بر موفقیت الگوی اسلامی - ایرانی توسعه دارد؟ فرضیه مقاله این است که امنیت هویت زمینه باز شدن (فعالیت یافتن) تدریجی الگوی اسلامی - ایرانی توسعه و آشکار شدن کامل اجزای آن که در نطفه این هویت مکنون است را فراهم می‌آورد. در این مقاله سعی خواهد شد با تکیه بر دیدگاه نظری جامعه‌گرایان در خصوص امنیت، نقش امنیت هویت در پیشبرد الگوی توسعه اسلامی - ایرانی تبیین و تحلیل گردد.

واژگان کلیدی

امنیت، هویت، جامعه‌گرایی، قانون اساسی، سند چشم‌انداز، توسعه بومی.

samira.mottaghi@gmail.com

afshin_mottaghi@yahoo.com

aliekarami598@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۶

*. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور.

** استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی.

*** دانشجوی دکتری مطالعات اروپای دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۳۰

طرح مسئله

به‌طور کلی دستاوردهای بشری دو بعد دارد: ۱. فرهنگ یا بعد غیرمادی زندگی بشری ۲. تمدن یا دستاوردهای مادی. فرهنگ، گونه‌ای آموزش و پرورش اخلاقی است که ما را به یاری رهاسازی خود اشتراکی یا خود آرمانی و نهفته در هریک از ما، شهروندی سزاوار می‌گرداند. از اینجاست که کلریج از اتکای تمدن به پرورش در گسترش هماهنگ آن ویژگی‌ها و توانایی‌هایی که سرشت نمای انسانیت هستند، سخن می‌گوید. برای آنکه دولتی به بالندگی و توسعه برسد، باید در اتباع خود گونه‌های شایسته‌ای از گرایش معنوی را پدیدار سازد؛ و درست همین معنا است که واژه فرهنگ یا Bildung در سنتی گرانقدر از شیلر تا متیو آرنولد بدان اشاره دارند. (ایگلتون، ۱۳۸۶: ۲۷) بنابراین بایستی از دریچه‌ای فرهنگی به مبحث توسعه و پیشرفت تمدنی نگریست.

نگاهی به مباحث توسعه و فرهنگ در مقطع زمانی بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران، نشان‌دهنده دو قرائت موازی در زمینه توسعه است: ۱. گروهی که معتقدند هدف از وقوع انقلاب، احیای فرهنگی و هویتی است و ۲. عده‌ای دیگر نیز معتقدند حتی اگر تأکید اصلی بر مسائل فرهنگی و نرم‌افزارانه باشد، راه محقق نمودن آنها ساخت تمدنی است. این دو قرائت در طول دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همواره دارای فراز و نشیب بوده‌اند و دولت‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همواره از منظر یکی از این دو دیدگاه به سیاست‌گذاری پرداخته‌اند. البته بایستی توجه داشت که این دو بُعد، مخصوصاً دیدگاه سخت‌افزارانه دارای تفاوت بنیادینی با رویکرد توسعه سرمایه‌دارانه و غیر بومی دوران پیش از انقلاب است. پیش از انقلاب هدف راه و ابزار توسعه، همگی غربی و دارای محتوایی مادی و غربی نیز بودند و کلاً دستاوردهای مادی و فرهنگی داخلی به‌عنوان منابع عدم توسعه یافتگی و عقب‌ماندگی نگریسته می‌شد.

اما جمهوری اسلامی ایران مبادرت به بازتعریف هدف، راه و ابزارهای توسعه نمود. بنابراین در رویکرد انقلاب اسلامی به توسعه، سعادت اخروی به‌عنوان هدف غایی معرفی گردید و فرهنگ اسلامی و نیز ارزش‌های بومی جامعه ایرانی، به‌عنوان راه و بستر این توسعه و ابزار آن نیز استفاده عادلانه و حلال از نعمت‌های خداوند و نیز تجارت حلال و عادلانه با سایر ملل و استفاده از دستاوردهای فنی سایر جوامع تعیین شد. البته همان‌طور که در ابتدای این مقدمه بیان شد در طول دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد ظهور دو نوع رویکرد در ارتباط با تقدم و تاخر هدف، مسیر و نیز ابزارهای این نوع توسعه هستیم. طوری‌که عده‌ای قائل به توسعه‌ای بودند که هدف آن سعادت اخروی بود؛ ولی مسیر و طبیعتاً ابزارهای آن را خیلی بومی نمی‌دانستند و اولویت برای آنها توسعه سخت‌افزارانه و مادی بوده است و در مقابل قائلان به توسعه نرم‌افزارانه معتقدند که توسعه به‌معنای غربی و مادی آن هدف انقلاب اسلامی نیست. بلکه برای رسیدن به توسعه‌ای که بشر را به سعادت اخروی برساند، بایستی مسیر و ابزارها نیز متناسب با هدف انتخاب گردد و

بنابراین باید از مسیر ارزش‌های انقلاب اسلامی دست به ابزارسازی زد. در نتیجه ضروری‌ترین کار برای محقق شدن این مدل توسعه، توجه به رشد و بالندگی ارزش‌های انقلاب اسلامی و حفظ امنیت آنها است. بایستی توجه داشت که در نظر هر دو دسته فوق، ارزش‌های انقلاب اسلامی در مسیر توسعه بایستی مورد تأکید و توجه قرار گیرند و این نکته فصل مشترک بحث‌های توسعه در جمهوری اسلامی ایران بشمار می‌رود. ولی تفاوت در اینجاست که آیا مسیر و ابزار این توسعه، همین ارزش‌های انقلابی هستند و یا اینکه مسیر و ابزار توسعه همان‌هایی است که در غرب و شرق تولید شده است و جمهوری اسلامی باید سعی کند در این پروسه فقط از ارزش‌های انقلاب پاسداری و محافظت کند؟

درواقع از مجموع بیانات و موضع‌گیری‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و نیز رهبر معظم انقلاب اسلامی و نیز متون بالادستی از جمله قانون اساسی و سند چشم‌انداز توسعه، این‌طور استنباط می‌شود که موضع انقلاب اسلامی نسبت به مقوله توسعه، موضعی منفعل و دفاعی نیست؛ بلکه هدف الگوسازی و ارائه راه جدیدی از توسعه است که از آن به «الگوی اسلامی - ایرانی توسعه» یاد می‌شود. در این مدل، راه توسعه عبارت است از ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران و ابزار این توسعه نیز استفاده حلال از مواهب طبیعت و نیز دستاوردهای تمدنی تعیین شد.

با توجه به این مقدمه سؤالی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که امنیت هویت اسلامی - ایرانی چه تأثیری بر موفقیت الگوی اسلامی - ایرانی توسعه دارد؟ و نیز راهکارهای نیل به حفظ امنیت هویت اسلامی کدامند؟ و چگونه می‌توان توسعه اسلامی - ایرانی را از آسیب‌های ناشی از الگوهای بیگانه توسعه حفظ نمود؟ فرضیه مطرح شده عبارت از این است که امنیت هویت، زمینه باز شدن (فعلیت یافتن) تدریجی الگوی اسلامی - ایرانی توسعه و آشکار شدن کامل اجزای آن که در نطفه این هویت مکنون است را فراهم می‌آورد. در واقع الگوی توسعه اسلامی - ایرانی، مناسب‌ترین استراتژی برای توسعه کشور است که این مهم در صورت بهره‌گیری هوشمندانه از دستاوردهای موفق بشری در سایر کشورها و در عین حال حفظ امنیت هویت اسلامی - ایرانی، به‌عنوان مهم‌ترین تاکتیک برای موفقیت این استراتژی به‌دست خواهد آمد.

چارچوب نظری پژوهش

همان‌طوری که می‌دانیم از یک‌طرف توسعه مفهومی کیفی است و برخلاف رشد که بیشتر کمی است، به روندی عمیق اشاره دارد که دوام داشته و علاوه بر جنبه‌های مادی زندگی بشر، سایر ابعاد حیات وی را نیز دربرمی‌گیرد و از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران نیز در طی سی سال گذشته نشان داده است که به دنبال الگوی توسعه متداول در سایر جوامع نیست؛ بلکه به دنبال آن است که در بستر ارزش‌های انقلاب اسلامی، دست به الگوسازی خاص خود بزند. در این راستا در تحقیق حاضر برای بررسی بحث توسعه در جمهوری اسلامی ایران، از مکتب جامعه‌گرایی بهره گرفته شده است.

یکی از مکاتبی که طی سه دهه آخر قرن بیستم دیدگاه‌های نوینی در باب سیاست‌گذاری در جوامع مختلف مطرح نموده است، عبارت است از مکتب فکری جامعه‌گرایی. این مکتب بر مقولاتی چون ارزش جامعه، آرمان اصالت و موقعیت‌مندی رفتار انسان‌ها تأکید می‌نماید. دستاوردهای مکتب جامعه‌گرایی می‌تواند در تحلیل امنیت هویت موردنظر پژوهش پیش‌رو مؤثر افتاده و نابسامانی‌های موجود در جوامع چندپاره را تقلیل دهد. (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۱۹۶)

با توجه به بنیادهای نظری و شاخص‌های مورد بررسی مکتب جامعه‌گرایی در مبحث امنیت‌پژوهی، به‌نظر می‌رسد استفاده از این چارچوب نظری برای توضیح و تبیین نسبت امنیت هویت و توسعه اسلامی - ایرانی نسبت به سایر دیدگاه‌های موجود در مورد بحث امنیت، از سودمندی بیشتری برخوردار باشد.

امنیت هویت از نگاه مکتب جامعه‌گرایی

جامعه‌گرایی یکی از مهم‌ترین جریان‌های فکری منتقد لیبرالیسم است که در اواخر قرن بیستم پا به عرصه تفکر سیاسی گذاشته است. انتشار کتاب در پی فضیلت، السدیر مک اینتایر در سال ۱۹۸۱ و لیبرالیسم و محدودیت‌های عدالت اثر مایکل سندل در سال ۱۹۸۲ را می‌توان اعلام موجودیت این جریان تلقی کرد. وجه اشتراک همه جامعه‌گرایان، نقد لیبرالیسم و تنگناها و بحران‌های آن در دوران مدرن است. به همین دلیل بایستی توجه داشت که هیچ مکتب مشترکی که این متفکرین جملگی در آن عضویت داشته باشند وجود ندارد و اغلب، خود آنها نیز از چنین تعبیری احتراز می‌کنند. مهم‌ترین و معروف‌ترین متفکران این مکتب عبارتند از: «مایکل سندل»^۱، «السدر مک اینتایر»^۲، «مایکل والزر»^۳ و «چارلز تیلور»^۴.

دو جهت‌گیری بسیار مرتبط با یکدیگر که اجتماع‌گرایان در آنها با هم مشترکند عبارتند از: یکی جهت‌گیری اثباتی و دیگری سلبی. در مورد جهت‌گیری اول بایستی اذعان نمود که اجتماع‌گرایی، رویکردی در فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی است که بر اهمیت روانی، اجتماعی و اخلاقی تعلق به اجتماع تأکید دارد و بر این نکته تأکید می‌ورزد که لزوم توجیه براهین اخلاقی بدین دلیل است که استدلال اخلاقی در متن سنت‌های اجتماعی و برداشت‌های فرهنگی بسط یافته‌اند. اما اجتماع‌گرایی از دید نفی شامل رویکردهای گوناگون انتقاد به تفکر لیبرال است؛ چراکه لیبرالیسم در دانستن قدر و اهمیت اجتماع ناکام مانده است. (حاجی حیدری، ۱۳۸۴: ۳۳۲)

به‌طور کلی در میان موضوعات لیبرالیستی مورد نقد جامعه‌گرایان، چهار موضوع برجسته دیده می‌شود:

۱. رابطه فرد و جامعه (نقد فردگرایی)

فردگرایی در تفکر لیبرال، جایگاهی ویژه دارد و از این منظر، تشکل سیاسی جامعه و هر نهاد اجتماعی دیگر،

1. Michael Sandel.
2. Alasdair Mac Intyre.
3. Michael Walzer.
4. Charles Taylor.

حاصل اراده و خواست افراد است: بنابراین هویت‌های فردی بر هویت‌های جمعی تقدم دارد. در ارزش‌ها و موازین اخلاقی نیز، این اراده و انتخاب فرد است که اصالت دارد و می‌تواند مبنای مشروعیت قوانین و سیاست‌ها و ملاک حق و باطل قرار گیرد. اما جامعه‌گرایان معتقدند این اشخاص خودمختار، در انزوا و تنهایی به‌وجود نمی‌آیند؛ بلکه در متن ارزش‌ها و فرهنگ جامعه شکل می‌گیرند و در مقایسه با دیگران برای او معنادار و قابل شناخت هستند. تفکر ذره‌ای در اندیشه لیبرال با این پیش‌فرض که افراد مجزا هستند و اهداف شخصی از پیش تعیین‌شده خود را تعقیب می‌کنند و جامعه صرفاً وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف مجزا از هم قلمداد می‌شود، اشخاص را به سوی بی‌هنجاری،^۱ فردمحوری^۲ و ناخرسندی از محدودیت‌های حیات مشترک جمعی و بی‌تعهدی به میثاق‌های اجتماعی سوق می‌دهد. حاصل این روند، همین بحران‌های شکننده و ملموس جامعه مدرن است. جامعه‌گرایان برخلاف لیبرال‌ها معتقدند «من» در میان «ما» و در یک ارتباط متقابل و پویا شکل می‌گیرد و تعریف می‌شود. هویت «ما» امر از پیش تعیین‌شده مقدم بر مشارکت «ما» در جامعه نیست. جامعه‌گرایی برخلاف لیبرالیسم، بیشتر به آرمان اجتماعی انسان می‌اندیشد.

۲. رابطه حق و خیر (نقد رابطه حق و خیر)

جامعه‌گرایان، ایده خرده‌های مستقل و بیگانه از هم را که سنگ‌بنای تقدم اصل حق بر خیر است، ناصواب و مغایر با واقعیت جوامع و سرشت نوعی انسان‌ها می‌دانند. در اندیشه جامعه‌گرایی، زندگی فردی یا به عبارتی خیر فردی در کلیت خیر جوامعی که به او هویت می‌بخشد، معنادار است. لذا خیرهای برتر از خیر فردی می‌تواند تبعات منفی منبعث از گرایش‌های ذره‌ای هسته‌ای را خنثی کند. از طرف دیگر به تعداد جوامعی که موجب هویت‌بخشی به افراد متفاوت می‌شوند، می‌توان خیرهای متفاوتی نیز محتمل دانست. (پور زکی، ۱۳۸۱: ۸)

۳. جهان‌شمولی ارزش‌های لیبرالی (نقد جهان‌شمولی لیبرالیستی)

جامعه‌گرایانی چون والزر و تیلور با تأکید بر نقش زمینه فرهنگی در شکل‌گیری ارزش‌های جوامع و فهم‌پذیری آنها و با اذعان بر خاص بودن فرهنگ در جوامع مختلف، ادعای جهان‌شمولی ارزش‌های لیبرالی را زیر سؤال برده و تأکید نموده‌اند که بهترین و مؤثرترین شیوه دستیابی به اخلاق و فلسفه سیاسی، تلاش برای استنباط و استنتاج ارزش‌های جهانی و اصول بنیادین نیست؛ بلکه برخلاف آن تفسیر ارزش‌ها در شیوه‌های زندگی واقعی گروه‌ها، جوامع و اجتماعات مختلف می‌بایست صورت گیرد. بنابراین هر جامعه‌ای دارای شرایط فرهنگی و سیاسی خاص خود است. از طرف دیگر در درون جوامع نیز اجتماعات و سنت‌های متفاوت و متکثر وجود دارد و این اجتماعات در عین داشتن عقلانیتی خاص دارای گفتگو، کشمکش، همکاری و سایش با دیگر سنت‌ها هستند. تیلور در مورد اجتماع و ارتباط آن با هویت تأکید می‌ورزد:

1. Norma less.
2. Self Centered.

هویت ما از طریق دل‌مشغولی‌ها و ارتباطات با اشخاص دیگر که برای ما اهمیت دارند، شکل گرفته و حفظ می‌شود. هویت خویشتن در نتیجه گفتگو با دیگر اعضای جامعه تعیین و تعریف می‌گردد. لیبرال‌ها بر روی حفظ حقوق افراد تمرکز می‌کنند، آنها به شرایط اجتماعی اعمال این حقوق توجه نمی‌کنند. (Lenard, 2004: 8)

هیچ اصل جهان‌شمولی نمی‌تواند محرک و راهنمای همه خیرها و منافع و اهداف در همه جوامع باشد. در هر جامعه‌ای، منافع و اهداف بر اساس اصول همان جامعه تعریف می‌شوند. بر این اساس تئوری اجتماع‌گرایی سیاسی بر برابری شهروندان تأکید می‌کند. فرهنگ عمومی^۱ و عرصه عمومی^۲ جایی است که مردم برای شکل دادن به رسوم^۳ و قواعد با هم مشارکت می‌کنند. صفاتی که از بدو تولد، با انسان همراهند مثل نژاد، قوم، جنس و خانواده عامل ایجاد حس جامعه برای افراد هستند و این صفات و روابط از سوی افراد انتخابی نیستند. (Bender & Mookherjee, 2008: 2)

تأثیر عوامل فرهنگی به این صورت است که اولاً تقدم و تأخر حقوق را مشخص می‌کنند و به توجیه این حقوق می‌پردازند و ثانیاً اینکه این عوامل فرهنگی، پایه‌های اخلاقی برای تصمیمات و اعمال سیاسی متمایز را فراهم می‌کنند. هویت مورد نظر اجتماع‌گرایی، هویت اجتماعی^۴ است. منظور از اجتماعی بودن هویت از نظر آنان این است که عضویت در گروه‌ها و تعلق داشتن به نژاد و قومیت، جنس و خانواده و مذهب هویت افراد را مشخص می‌کند. البته لازمه سهیم شدن در هویت اجتماعی، داشتن تعامل و آگاهی از دیگر اعضای آن گروه‌ها نیست؛ بلکه نشان‌دهنده باور ماست به اینکه خصوصیات مشترکی با اعضای گروه‌های جامعه داریم و حوادث و اتفاقاتی که برای گروه پیش خواهد آمد، اعضای سایر گروه‌ها را نیز متأثر خواهد کرد. (Deaux, 2001: 9)

اجتماع‌گرایان در مقابل فردگرایی محض^۵ لیبرالیست‌ها، بر خیر جمعی^۶ و ارزش‌های جمعی^۷ تأکید می‌کنند. (Bachvarova & Moor, 2006: 18) آنان به پیروی از ارسطو، انسان را حیوانی اجتماعی می‌دانند که هویت وی در جامعه ساخته می‌شود و چیزی به نام هویت‌های خودکفا و خودساخته وجود ندارد. هویت، امری اجتماعی و ارتباطی است. همه فرهنگ‌ها و هویت‌ها به نوبه خود ارزش و اصالت دارند و تلاش برای تسطیح فرهنگی و علایق هویتی، نامطلوب و ناممکن است و به بهانه‌های پیشرفت و مدرن ساختن و توسعه نباید ارزش‌های خاصی مانند فردگرایی و اصالت فایده^۸ را جهان‌شمول و ذاتی همه انسان‌ها و در همه مکان‌ها جلوه داد. تعدد ملت‌ها و مذاهب می‌تواند نشانگر تعدد راه‌های توسعه و پیشرفت باشد. هیچ دلیلی بر

1. Public culture.
2. Public space.
3. Norms.
4. Social identification.
5. Abstract Individualism.
6. Collective Goods.
7. Communal Values.
8. Utilitarian.

فروتری سنت به‌عنوان امانت و دستاورد گذشتگان و تجربه نسل‌های پیشین و بخشی از هویت اکنون جوامع نسبت به مدرنیته، و تحمیل اکنون و آینده به گذشته وجود ندارد.

۴. ادعای بی‌طرفی (نقد ادعای بی‌طرفی لیبرالیست‌ها)

جامعه‌گرایان بر «موقعیت‌مندی خود» تأکید دارند. از نگاه آنها شیوع نامنی اجتماعی و افزایش خشونت، جنایت و طلاق در برخی جوامع، نتیجه این باور است که عقل انسانی به تنهایی و منفصل از سنت و اجتماع قادر است ضمن محاسبه منافع و مضارّ هر عمل، بهترین آن را گزینش کند. به عقیده مک‌ایتایر، دولت نمی‌تواند جامعه را به حال خود رها کند تا مردم به تنهایی، خودمختاری‌شان را محقق ساخته و حقوق خود را بدست آورند. چنین وضعیتی بیش از هر چیز نوعی گسیختگی اجتماعی و فاجعه اخلاقی را در پی می‌آورد و بنیان‌های داخلی امنیت را متزلزل می‌کند. (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۲۰۲)

هویت مورد نظر جامعه‌گرایی، حاوی نوعی اصالت و دیرینگی است. هر هویتی مکانیسم پژوهشی خود را داراست، چون واجد نقد درونی است و این ادعای لیبرال‌ها که تحقیق و پژوهش در سنت میسر نیست، اعتباری ندارد. از نظر آنها قیاس‌ناپذیری و ترجمه‌ناپذیری از نخستین اصول گفتگو بین سنت‌هاست، چراکه هر سنتی معمولاً دینامیسم درونی خود را دارد که در پهنه تاریخ شکل گرفته و تنومند شده است. مناسبات درونی سنت‌های مختلف، بیش از هر چیز دیگر متأثر از اخلاقیات، سنت و فرهنگ همان زمینه است. فرهنگ به‌عنوان مادر تحولات، نماد خاص و ویژه هر سنت است. بنابراین از نظر اجتماع‌گرایان امنیت هویت عبارت است از عمل بر وفق سنت‌ها و گذشته دیر پا، اخلاق و فضیلت، سوای سودمند بودن یا نبودن آنها و تعدد گروه‌های هویت‌ساز دینی، مذهبی و ملی در جهان.

اخلاق و سنت و هویت اجتماعی افراد باید در سیاست‌گذاری و مملکت‌داری، مورد توجه قرار گیرد. حفظ هویت‌های دینی و سنتی، محافظت امنیت داخلی بوده و تحریف و ترجمه سنت‌ها و هویت‌ها به نفع یک هویت خاص یا هدفی خاص مانند توسعه از طرف دولت، امنیت هویت جامعه را تهدید می‌کند. از نظر جامعه‌گرایان، دولت در قبال سنت‌های فرهنگی و دیدگاه‌های اخلاقی جامعه پاسخ‌گو است. در واقع چنین دولتی به یاری سنت‌های فرهنگی، پاسدار صلح اجتماعی و خیر و صلاح شهروندان است تا در گرداب فردگرایی افراطی، نسبییت اخلاقی و بحران معنا گرفتار نشوند. بعد از روشن نمودن اصول نظری مورد نظر جامعه‌گرایان، در ادامه به تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های توسعه از دیدگاه این مکتب خواهیم پرداخت.

توسعه از منظر جامعه‌گرایان

با توجه به انتقاداتی که جامعه‌گرایان نسبت به لیبرالیست‌ها مطرح نموده‌اند، مؤلفه‌های توسعه مورد نظر آنان را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

یک. امنیت هویت

دیدگاه‌های مکتب جامعه‌گرایی به‌ویژه چشم‌اندازش به موضوع اخلاق و عدالت که مفاهیم محوری فلسفه و علوم اجتماعی جدید هستند، از اهمیت بنیادین برای فهم فلسفه و علوم اجتماعی اخیر در غرب برخوردارند. این مکتب در واکنش سلبی نسبت به لیبرالیسم موجودیت یافته، به‌نحوی که نقطه توافق اجتماع‌گرایان «ضدیت با فردگرایی» سنت لیبرال است. اجتماع‌گرایان بر ارزش‌هایی که در تقابل با فردگرایی قرار می‌گیرند، اصرار ورزیده و در عوض بر عمل متقابل، اعتماد، انسجام و سنت تأکید می‌نمایند. آنان معتقدند که ارزش‌های اخلاقی و اصول سیاسی نه به‌گونه‌ای جهان‌شمول، بلکه باید با توجه به زندگی گروهی، جامعه و اجتماعی که افراد در آن عضویت دارند مورد استنباط و عمل قرار گیرند. (آل سید غفور، ۱۳۸۸: ۲) مرجع امنیت از نگاه اعضای این مکتب، مقوله‌ای فرافردی یعنی جامعه انسانی است و مستتر و اکتشافی در روابط بین گروه‌ها و سنت‌ها. مهم‌ترین ابزار امنیت‌ساز عبارت است از عمل اجتماعی بر مبنای وظیفه، اخلاق و فضیلت. هویت، مهم‌تر از عملکرد است، عمل بر وفق هویت دیرپا، فی‌نفسه امنیت‌ساز است و عمل گسیخته از غایت و گذشته امنیت فاعل را در معرض خطر قرار می‌دهد.

جامعه‌گرایان معتقدند انسان به‌طور طبیعی اجتماعی است و دلبستگی‌ها و وابستگی‌های فرهنگی و اجتماعی هم جزئی از وجود اوست. هویت و فردیت شخص در قالب عضوی از جامعه و در مقایسه با دیگران برای او معنادار و قابل شناخت است. به نوعی سرشت فرد، قبل از آنکه بداند کیست و در چه موقعیتی است و خیر و شر او در چیست و چه خواسته‌هایی دارد، متأثر از جامعه است. در نتیجه هویت ما، امر از پیش تعیین‌شده مقدم بر مشارکت ما در جامعه نیست. بسیاری از اهدافی که ما تعقیب می‌کنیم، اجتماعی و مشترک است نه شخصی، و بسیاری از نقش‌هایی که ما ایفا می‌کنیم - مثل نقش شهروندی یا عضویت در یک مرام سیاسی - چنین حالتی دارند. افراد با شرکت در حوزه سیاست و مناسبات اجتماعی، به نوعی سرشت و هویت شخصی خویش را توسعه می‌بخشند. (جمعی از مترجمان، ۱۳۸۶: ۱۵)

یکی از لوازم توسعه غربی، داشتن نگاه سکولاریستی به دین و ارزش‌های مذهبی است. سکولاریسم معمولاً به‌گونه‌ای اعتقاد به جدایی دین و باورهای مذهبی از دولت و اجتماع اطلاق می‌شود. سکولاریسم را معمولاً با عصر روشنگری در اروپا می‌شناسند و معانی مختلفی از قبیل بی‌حرمتی، ناسوتی، بشری، دنیوی، زمینی (غیر معنوی) در ذیل آن آورده شده است. (آشوری، ۱۳۶۶: ۲۶۴) بر این اساس دین باید در حاشیه زندگی قرار گیرد و اجازه دخالت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را ندارد. از طرف دیگر کنار گذاشتن دین و معنا از عرصه عمومی زندگی منجر به توسعه‌ای غربی، جامعه و حکومتی سکولاریستی و بحران‌های هویتی و معنایی برای مردم و ملت در آینده خواهد شد. با توجه به چارچوب نظری پژوهش می‌توان گفت که تأکید بر سکولاریسم به‌عنوان لازمه توسعه، از جمله لوازم نظریه‌های لیبرالی است که ادعای جهان‌شمولی دارد. در صورتی که طبق استدلال جامعه‌گرایان، هیچ مجموعه‌ای از معیارها در درون سنتی خاص که بالاتر و برتر از همه سنت‌ها مبنایی برای توجیه عقلانی قرار بگیرد، وجود ندارد.

دو. پرهیز از شمول‌گرایی و تأکید بر ارزشمندی ناهمگونی و تفاوت

کسانی مانند والزر و تیلور با تأکید بر نقش زمینه فرهنگی در شکل‌گیری ارزش‌ها و فهم‌پذیر شدن آنها و با اذعان به خاص بودن فرهنگ در جوامع مختلف، هرگونه ادعای جهان‌شمولی نظریه‌های لیبرال و امکان کاربرد آنها برای همه فرهنگ‌ها و جوامع را زیر سؤال برده‌اند. هر سنتی می‌تواند در هر مرحله از توسعه و تحول خویش بر مبنای مفاهیم خاص خود، نوعی توجیه عقلانی برای آموزه‌های اصلی خویش ارائه دهد، آن هم از طریق به‌کارگیری مفاهیم و معیارهایی که با آنها خود را تعریف می‌کند. اما هیچ مجموعه‌ای از معیارهای مستقل «از همه سنت‌ها» برای توجیه عقلانی وجود ندارد که بتوان با رجوع بدان درباره مسایل مورد اختلاف میان سنت‌های رقیب قضاوت کرد. (مک اینتایر، ۱۳۷۸: ۱۸۴)

سه. پرهیز از خودبنیادپنداری خرد فردی

جامعه‌گرایان در مقابل لیبرالیست‌ها بر «موقعیت‌مندی خود» تأکید دارند. از نگاه آنها این باور که عقل انسانی به تنهایی و منفصل از سنت و اجتماع قادر است ضمن محاسبه منافع و مضار هر عمل (از جمله راه‌های توسعه)، بهترین آن را گزینش کند، باعث شیوع ناامنی‌های اجتماعی و افزایش خشونت، جنایت و سایر معضلات اجتماعی خواهد شد.

عقل‌گرایی تفکر و فرهنگ رایج و حاکم بر مغرب‌زمین در دوران مدرنیته و روشنگری غربی است. از نظر فیلسوفان و مصلحان روشنگری، کلید راه یافتن به فطرت انسان، استعداد فطری عقل در اوست که عاقل بودن را ذاتی انسان قرار داده و به تک‌تک انسان‌ها اجازه می‌دهد که با مشاهدات و آزمایشات دقیق، طبیعت را مورد پرسش قرار دهند و از همو پاسخ گیرند. (ساطع، ۱۳۸۶: ۱۷۰) عقلانیت به‌معنای رهایی عقل از اعتقادات تحمیلی گذشتگان، عدم تعهد پیشینی به دیدگاه‌های نظری و اعتقادی خاص و مشاهده‌گر دقیق، صادق و بدون تعصب به باورهای پیشین می‌باشد. فیلسوفان عصر روشنگری معتقدند عقلانیت همانند حقیقت مستقل از زمان، مکان و اوضاع تاریخی است و اینکه رسوم و سنت‌ها به‌جای روشنگری، موجب پیچیدگی بیشتر می‌شوند و حتی اگر سنتی حامل حقایقی باشد، باید با مذاقه عقلانیت مستقل از سنت، آن حقایق از سنت مفروض تفکیک و سپس توجیه شوند.

چهار. تأکید بر عدالت به‌مثابه بنیاد امنیت پایدار

توزیع عادلانه فرصت‌ها، بدون توجه به تعلقات قومی و جنسیتی، از جمله چالش‌هایی است که امروزه تهدیدکننده ثبات سیاسی دولت‌هاست. توزیع عادلانه عایدات به‌عنوان پیش‌شرط مهم امنیت و توسعه ملی، به شیوه‌ای مبسوط توسط جامعه‌گرایان مورد بحث قرار گرفته است. آرمان اصلی جامعه‌گرایان، نیل همه انسان‌ها به موقعیت و شرایط عادلانه است. شرایطی که در آن حقوق نسل‌های آتی پاس داشته و منجر به تولید مازاد و توزیع عادلانه آن در جامعه می‌شود و همچنین سلامت محیط زیست را تأمین می‌نماید. (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۲۱۶)

موضوعی که در ارتباط با مسئله عدالت و حقوق انسانی در فرآیند توسعه از سوی لیبرالیست‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد، اومانیسیم است. واژه اومانیسیم به جنبشی فلسفی و ادبی اشاره دارد که در ایتالیا در نیمه دوم قرن چهاردهم آغاز شد: سپس به سایر کشورهای اروپایی گسترش یافت و به یک عامل مهم در زندگی مدرن تبدیل شد. (جانسون، ۱۳۸۷: ۱۵۱) در این گفتمان برای انسان، زندگی توأم با راحتی، خوشی و آسودگی اصالت دارد و چیز دیگری برای او اصالت ندارد. اومانیسیم در مقابل گرایش به محوریت خدا و دین مطرح است. این تفکر ملاکش انسان است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۲۱۸)

اومانیسیم دو معنای عمده دارد: معنای اول اومانیسیم، یک معنای اپیستمولوژیک، یعنی یک معنای معرفت‌شناختی است. طبق این معنا شناخت ما از عالم واقع، شناخت انسان از عالم واقع است و نه شناخت از عالم واقع. هیچ شناخت مطلقی وجود ندارد و نمی‌توان گفت که جهان واقع، چگونه است. اومانیسیم در مقام عمل به این معناست که هیچ موجودی ارزش، اهمیت، یا شرافت وجودی‌اش بیش از انسان نیست. انسان نباید فدای چیزی بشود، بلکه در مقام عمل، یعنی در مقام دخل و تصرف در جهان هستی باید چنان رفتار کرد که همیشه قدرت اول بودن انسان در جهان محفوظ بماند و هیچ آرمانی نیست که بیارزد انسان فدای آن آرمان شود. (ملکیان، ۱۳۸۸: ۵۲) درحالی‌که این اعتقاد از نظر مکتب جامعه‌گرایی باعث به خطر افتادن امنیت هویت فرد می‌شود. زیرا مرجع امنیت از نگاه اعضای این مکتب مقوله‌ای فرافردی یعنی جامعه انسانی است و مستتر و اکتشافی در روابط بین گروه‌ها و سنت‌ها، مهم‌ترین ابزار امنیت‌ساز عبارت است از عمل اجتماعی بر مبنای وظیفه، اخلاق و فضیلت. هویت مهم‌تر از عملکرد است، عمل بر وفق هویت دیرپا، فی‌نفسه امنیت‌ساز است و عمل گسیخته از غایت و گذشته، امنیت فاعل را در معرض خطر قرار می‌دهد.

توسعه از نگاه قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله

یک. توسعه از نگاه قانون اساسی

مهم‌ترین اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که جهت‌گیری‌های کلی کشور از جمله جهت‌گیری به سمت توسعه را مشخص می‌کند، اصل دوم و سوم آن است. در اصل دوم آمده است که جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: ۱. خدای یکتا ۲. وحی الهی ۳. معاد ۴. عدل خداوند ۵. امامت و رهبری مستمر ۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت در برابر خدا که از راه اجتهاد مستمر فقها، استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش برای پیشبرد آنها، نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی کشور را تأمین کند. طبق این اصل، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو بر کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند و استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همبستگی ملی تأکید دارد و از طرف دیگر استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش برای پیشبرد آنها را امری لازم می‌داند.

اصل سوم نیز اموری را مشخص می‌کند که برای نیل به اهداف اصل دوم، انجام دادن‌شان لازم است. از جمله: ۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی. ۲. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی. ۳. آموزش رایگان. ۴. تقویت روح تحقیق و بررسی در تمام زمینه‌ها. ۵. طرد و مخالفت با استعمار و استبداد. ۶. تأمین آزادی‌های قانونی. ۷. مشارکت مردم. ۸. رفع تبعیضات ناروا. ۹. ایجاد نظام اداری صحیح. ۱۰. تقویت کامل بنیه دفاع ملی. ۱۱. پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی. ۱۲. خودکفایی. ۱۳. تأمین تساوی قانونی برای همه. ۱۴. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و روحیه تعاون و ۱۵. تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت از مستضعفان جهان.

اصل چهارم قانون اساسی همچنین اعلام می‌دارد که کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. (منصور، ۱۳۸۶: ۲۹ - ۲۸)

دو. توسعه از نگاه سند چشم‌انداز بیست ساله

در سند چشم‌انداز بیست ساله، جمهوری اسلامی ایران به صورت یک کشور توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه و دارای تعامل فعال با اقتصاد جهانی تعریف شده است. یعنی توسعه به معنای عام، یکی از مهم‌ترین اهداف سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی می‌باشد که آن را از یک کشور در حال توسعه به یک جامعه پیشرفته و توسعه‌یافته تبدیل می‌نماید. طبعاً تحقق و تأمین این هدف راهبردی، مستلزم الزامات و پیش‌شرط‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. (جوادی ارجمند، ۱۳۸۸: ۶۹)

در ابتدای این سند، ویژگی‌های این توسعه چنین ذکر شده است: توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی. همچنین در بند دیگری که به ذکر خصوصیات ایرانیان در افق ۱۴۰۴ پرداخته شده، آمده است: فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن. در متن سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران و در بخش امور فرهنگی، علمی و فناوری نیز این اصول قابل اشاره است؛ اصل ۵: تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و آگاهی کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی - اسلامی و اهتمام جدی به زبان فارسی. همچنین در اصل ۱۵ سیاست‌های کلی مربوط به امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی نیز چنین آمده است: تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی.

بنابراین ایران اسلامی در سال ۱۴۰۴ شمسی کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول علمی و فناوری در سطح منطقه که البته همان طوری که از محتوای اصول سند چشم‌انداز توسعه برمی‌آید، این توسعه دارای مختصاتی است. از جمله این مختصات که در راستای موضوع پژوهش قرار می‌گیرند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. حفظ هویت اسلامی و انقلابی؛
۲. تناسب این توسعه با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی؛
۳. اتکای این توسعه بر اصول اخلاقی و ارزش‌های ملی و انقلابی؛
۴. تعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن؛
۵. تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی؛
۶. آگاهی کافی درباره تاریخ، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی - اسلامی؛
۷. اهتمام جدی به زبان فارسی؛
۸. تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی؛
۹. عدالت اجتماعی؛
۱۰. فعال بودن مردم؛
۱۱. مسئولیت‌پذیری و ایثارگری؛
۱۲. داشتن وجدان کاری و انضباط؛
۱۳. روحیه تعاونی داشتن؛
۱۴. سازگاری اجتماعی. (ر.ک: متن سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران)

همان‌گونه که در فرضیه پژوهش نیز اشاره شد، پیاده‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی توسعه نیازمند امنیت هویت است. یادآور می‌شویم که نگاه ما به مقوله امنیت هویت، از منظر مکتب جامعه‌گرایان است. از نظر این مکتب، امنیت هویت عبارت از نگرهبانی از هویت و ممانعت از تحدید و تحریف خاستگاه یک گروه (قومی، ملی، جنسی، دینی، سنی و شغلی) است. ارزش‌های فرهنگی و میراث سنتی از نظر این مکتب سرمنشأ اخلاقی دارند و سواى قضاوت‌های عقلانی، حفظ و حراست از آنها برای بقای امنیت در جوامع لازم است. در ادامه به بررسی مؤلفه‌های امنیتی مکتب جامعه‌گرایی در ایران می‌پردازیم تا تحلیل روشنی از دورنمای توسعه اسلامی - ایرانی کشور ارائه نماییم. مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیتی مکتب جامعه‌گرایی عبارتند از: الف) امنیت هویت ب) ارزشمندی تفاوت و ناهمگونی ج) مقاومت در مقابل سراسربینی و شمول‌گرایی د) توجه به تأثیر محیط و فرهنگ جوامع بر عقلانیت فرد.

۱. امنیت هویت

یکی از مفاهیم و اصطلاحاتی را که نشان‌دهنده درجه امنیت هویت در جوامع گوناگون می‌باشد، اصطلاح

از خودبیگانگی است. پدیده‌هایی مثل دروغ، ریاکاری و عدم تقوا و تظاهر به خودی غیر از خود واقعی انسان در میان افراد جامعه را باید از مظاهر از خودبیگانگی دانست. عدم هنجارمندی یا بی‌ریشه‌گی (فقدان قانون و شیوه انجام کارها یا عدم تعریف دقیق رفتار درست یا معمول نبودن رویه‌های قانونی و انجام کارها بر اساس سلیقه شخصی) نیز در این ارتباط بسیار مهم است. در چنین شرایطی، قانون‌پذیری که پایه حفظ ارزش‌ها و آرمان‌ها به‌شمار می‌رود، مقبول افتاده و حساسیت افراد را برمی‌انگیزد. (سریع‌القول، ۱۳۸۲: ۱۱۰) بارزترین مثال در این رابطه، معضل شرکت‌های هرمی می‌باشد.

از طرف دیگر گاهی جامعه‌ای از خودبیگانه می‌شود و جامعه‌ای دیگر را خود می‌پندارد. یکی از معضلاتی که کشورمان در حوزه‌های مختلف بالأخص حوزه نظریه‌پردازی در علوم انسانی با آن مواجهه است و ریشه در همین از خودبیگانگی اجتماعی دارد، عدم اعتماد به نفس است. طوری که در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی، اجتماعی و همچنین سیاست‌گذاری در این حوزه‌ها و سایر عرصه‌های زندگی ایرانی، کشور ما فاقد رویکردی بومی است. مورد دیگری که در این رابطه بسیار اهمیت دارد، قالب‌های پیکار سیاسی است. قالب‌های پیکار سیاسی را پیش از هر چیز مجموعه نهادها، عادات، سنن، خلیات، معتقدات، صور جمعی، نظام‌های ارزشی که پیکار در آن جریان دارد، یعنی فرهنگ آن جامعه تشکیل می‌دهند. هر قومی، هر کشوری و هر تمدنی به مبارزه طبقاتی، تعرض‌های فردی و مقاومت در برابر قدرت، سیمای مخصوصی می‌بخشد. نمی‌توان سیاست را بدون اینکه لطمه‌ای بدان وارد آید، از این متن فرهنگی کلی جدا کرد. در وهله دوم، قالب‌های پیکار سیاسی به‌وسیله نهادهایی که طبیعتی مخصوص دارند و رژیم‌های سیاسی نامیده می‌شوند، تشکیل یافته‌اند. قدرت در هر جامعه پیچیده‌ای، سازمان‌یافته است: رژیم‌های سیاسی انواع گوناگون سازمان‌یابی قدرت‌اند. (دوروزه، ۱۳۸۵: ۴۵) جامعه ایرانی و نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نوعی رژیم سیاسی دارای قواعد و قالب‌های پیکار خاص خود است. در صورتی که افراد و گروه‌هایی با این قواعد و قالب‌ها آشنایی نداشته باشند و سهواً آنها را نادیده بگیرند و یا اینکه دانسته و به‌عمد و به دلایل مختلف از جمله تحریک و سازماندهی خارجی و یا به قصد مبارزه با نظام، وارد پیکار سیاسی بشوند، نتیجه این وضع شکل‌گیری آشوب‌ها و تنش‌های اجتماعی دوره‌ای است. وقایعی که پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در روزهای ۲۳ تا ۳۱ خرداد ۱۳۸۸، آشوب‌های ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ و هفته آخر خرداد ماه ۱۳۸۸ تهران پدید آمد، نمونه‌هایی است که نشان می‌دهند از این حیث، امنیت هویت اسلامی - ایرانی نیازمند توجه و سرمایه‌گذاری است.

۲. ارزشمندی تفاوت و ناهمگونی

یکی از آفات تهدیدکننده این ناهمگونی و تفاوت، معضل شیوع مدگرایی است. با توجه به اینکه ایران کشوری است دارای اقوام مختلف و با فرهنگ و نوع پوشش خاص، خطری که از ناحیه مدگرایی بروز می‌نماید، تهدید امنیت هویت این قومیت‌ها است. در واقع با رواج مدهای غالباً غربی و گرایش مردم و

به‌خصوص جوانان، لباس و پوشش محلی و قومی به صورت نمادهای عقب‌ماندگی و پسرقت‌نگریسته می‌شوند. چنین نگاهی با بحث ارزشمندی تفاوت و احترام به تکثر و تنوع موردنظر اجتماع‌گرایان که آن را به‌عنوان یکی از لوازم امنیت اجتماعات بشری مطرح می‌کنند و درواقع منبع تهدید امنیتی و شکل‌گیری جنبش‌های بنیادگرایانه قومی در آینده خواهد شد، منافات دارد.

۳. مقاومت در مقابل سراسربینی و شمول‌گرایی

سراسربینی و شمول‌گرایی چه با منشأ بیرونی و ناشی از ورود و پذیرش و تحمیل ارزش‌های خاص مثل ارزش‌های لیبرالیستی فردگرایی، آزادی و عقلانیت‌ابزاری و چه با منشأ داخلی و در اثر اقدامات دولت‌ها و بعضی از گروه‌ها، نژادها و قومیت‌ها علیه دیگران، یکی از آفت‌های مهم امنیت از نظر اجتماع‌گرایان است. سراسربینی، شمول‌گرایی، اتحاد و انسجام معانی مختلفی دارند و کاملاً با هم مشابه نیستند. همان‌طوری که کثرت به‌معنای نسبییت محض و نفی مطلق مشابهت‌ها و یکسانی نیست. لذا بایستی در برنامه‌ریزی‌ها به این نکته ظریف توجه شود.

۴. توجه به تأثیر محیط و فرهنگ کشور بر عقلانیت افراد

همان‌طوری که گفتیم از نظر اجتماع‌گرایان، عقلانیت بدون توجه به سنت‌های تاریخی و ارزش‌های بومی و فرهنگ و مذهب هر جامعه، یکی از منابع تهدید امنیت به‌شمار می‌رود. در این راستا بایستی توجه داشت که علی‌رغم اینکه ما در حوزه سنت و فرهنگ و مذهب کشوری باسابقه می‌باشیم و علی‌رغم اینکه انقلاب اسلامی اساساً با رویکرد اسلامی و فرهنگی به پیروزی رسید، ولی با این‌وجود عقلانیت حاکم بر سیاست‌گذاری و اجرایی کشور از یک طرف و نخبگان علمی مخصوصاً در حیطه علوم انسانی از سوی دیگر، با وجود نشان دادن ژست‌ها و رویه‌های ظاهری، عقلانیتی برخاسته و در پیوند با سنت، مذهب و فرهنگ ایران اسلامی نیست؛ به‌طوری‌که در سالیان اخیر ما شاهد بحران نظریه‌پردازی بومی در حیطه علوم انسانی در کشور هستیم و زمزمه‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی در راستای توجه به مبانی عقلانیت موقعیت‌مند اسلامی - ایرانی شروع شده است.

در واقع زمانی که این روند در کشور شکل گرفت و آمیدی به شکل‌گیری این جریان به صورت طبیعی به‌وجود نیامد، ابتدا رهبر معظم انقلاب اسلامی با مطرح کردن جنبش نرم‌افزاری و سپس سایر نهادها و ارگان‌ها متوجه اهمیت این مسئله شدند و از این معضل برای آینده نظام جمهوری اسلامی و هویت اسلامی - ایرانی احساس خطر کردند. پروژه بومی کردن، یکی از راهکارهایی است که با توجه به نبود چنین عقلانیتی در حیطه علوم انسانی از سوی مسؤلان و نهادهای متولی سیاست‌گذاری علمی کشور در سالیان اخیر آغاز شده است. در چارچوب فرضیه پژوهش حاضر مهم‌ترین موضوع قابل توجه، بحث امنیت هویت اسلامی - ایرانی است. معضل به‌وجود آمده در راه توسعه علمی کشور از یک طرف حاصل هجوم و دستبرد فرهنگ‌های بیگانه است و از سوی دیگر عدم توجه و برنامه‌ریزی کافی مخصوصاً دوران قبل از پیروزی انقلاب در راستای حفظ امنیت هویت اسلامی - ایرانی.

نتیجه

رویکرد اسلامی - ایرانی به توسعه، مهم‌ترین ویژگی روند توسعه در ایران است. این جهت‌گیری در اسناد کلان و رسمی کشور از جمله سند چشم‌انداز توسعه و قانون اساسی منعکس شده است. در این راستا سؤالی که در این پژوهش مطرح شد این بود که امنیت هویت اسلامی - ایرانی چه نقشی در روند این شکل از توسعه دارد؟ چنانکه اشاره شد هویت عبارت است از حقیقت شیء و یا شخصی که مشتمل بر صفات شخصی او باشد. هویت، کارویژه‌هایی از جمله امکان برقراری ارتباطات معنادار و مستمر میان افراد یک جامعه، فراهم کردن زمینه‌های بسیج و تجهیز اجتماعی را دارا می‌باشد. همچنین هویت را به‌عنوان امری تاریخی ذکر کردیم که محصول زمان و تاریخ است و این امر حکایت از آن دارد که هویت‌ها در گذر زمان با چالش و بحران مواجه می‌شوند. گذرگاه توسعه یکی از مقاطعی است که هویت‌ها را با بحران و چالش مواجه می‌سازد. فرضیه پژوهش این بود که با توجه به در حال گذار و توسعه بودن جامعه ایران از یک طرف و از طرف دیگر رویکرد اسلامی - ایرانی نسبت به توسعه، امنیت هویت اسلامی - ایرانی یکی از لوازم ضروری در راه رسیدن به این هدف است. در بررسی رویکرد نظری پژوهش حاضر، به بررسی مؤلفه‌های امنیتی مکتب جامعه‌گرایی پرداختیم و در سراسر پژوهش سعی نمودیم به کاربست مؤلفه‌های مورد نظر این مکتب برای بررسی نقش امنیت هویت اسلامی - ایرانی برای توسعه کشور بپردازیم.

گفتیم که از نظر اجتماع‌گرایان امنیت هویت عبارت است از عمل بر وفق سنت‌ها و گذشته دیر پا، اخلاق و فضیلت سوای سودمند بودن یا نبودن آنها و تعدد گروه‌های هویت‌ساز ملی، دینی، جنسی و قومی. عوامل مؤثر بر ضرورت و اهمیت مطرح نمودن بحث امنیت هویت را ناشی از موارد زیر دانستیم: ۱. بنیادهای توسعه غربی شامل سکولاریسم، ناسیونالیسم، لیبرالیسم، اومانیسم و عقلانیت ابزاری و تأثیر آنها بر هویت‌های فرهنگی متفاوت. ۲. پیامدهای منفی دنبال شدن الگوی مدرنیزاسیون. ۳. مطرح شدن مفاهیم پایان توسعه و عصر پسا توسعه از اواخر دهه ۱۹۸۰ به این سو. ۴. تبدیل شدن بحث هویت از دهه ۱۹۹۰ به یکی از مباحث اساسی در حوزه دانشگاهی.

با توجه به ویژگی‌های هویتی و ارزشی که از نظر سند چشم‌انداز و قانون اساسی برای توسعه بومی کشورمان ذکر شد، به تشریح مهم‌ترین آنها یعنی: ۱. دین اسلام و مذهب شیعه. ۲. زبان فارسی. ۳. متغیرهای تاریخی. ۴. مؤلفه‌های اجتماعی. ۵. جغرافیای ایران پرداخته شد.

در ادامه پژوهش مؤلفه‌های امنیتی از منظر تئوری جامعه‌گرایی را در مورد ایران تحلیل نمودیم که عبارت بودند از: ۱. بررسی امنیت هویت در ایران. ۲. ارزشمندی تفاوت و ناهمگونی. ۳. مقاومت در مقابل سراسربینی و شمول‌گرایی. ۴. عدالت و توسعه در ایران و ۵. توجه به تأثیر محیط و فرهنگ کشور بر عقلانیت افراد. یافته‌های تحقیق نیز نشان می‌دهند که تأکید بر مواردی از جمله عقلانیت موقعیت‌مند

اسلامی - ایرانی از طریق حرکت به سمت بومی‌سازی علوم انسانی، نهادینه شدن قواعد و قالب‌های پیکار سیاسی خاص جامعه ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین تأکید بر افزایش اعتماد به نفس نسل جوان و علمی کشور به منظور غلبه بر از خودبیگانگی اجتماعی، زمینه‌ساز امنیت هویت به‌شمار می‌روند. به‌طور کلی از مجموع مباحث مطرح شده در این پژوهش نتیجه گرفته می‌شود که حفظ امنیت هویت اسلامی - ایرانی مهم‌ترین وسیله‌ای است که از طریق آن می‌توان الگوی توسعه اسلامی - ایرانی را در کشور جامه عمل پوشاند.

به عبارت دیگر حفظ امنیت این هویت باعث می‌شود که اولاً از دستبرد و تحریف و در نتیجه غلبه هویت‌های بیگانه بر آن جلوگیری شود و از سوی دیگر برقراری این امنیت، زمینه را برای بروز الگوی اسلامی - ایرانی توسعه که در نطفه این هویت مکنون است، فراهم آورد.

منابع و مأخذ

۱. آشوری، داریوش، ۱۳۶۶، *دانشنامه سیاسی*، تهران، مروارید، چ ۱.
۲. آل‌غفور، سیدمحسن، ۱۳۸۸، «الگوی اجتماع‌گرایی و تکرر سنت‌های فکری سیاسی ایران معاصر»، *فصلنامه سیاست*، تهران، شماره ۲، ص ۲۱ - ۱.
۳. افتخاری، اصغر و قدیر نصری، ۱۳۸۳، *روش و نظریه در امنیت پژوهی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ ۱.
۴. ایگلتون، تری، ۱۳۸۶، *ایده فرهنگ*، ترجمه علی ادیب‌راد، تهران، حرفه هنرمند.
۵. پور زکی، گیتی، ۱۳۸۱، «پدیده چند فرهنگی چالش میان لیبرال‌ها و جامعه گرایان»، *ماهنامه کتاب ماه علوم اجتماعی*، شماره ۶۱ و ۶۲.
۶. جانسون، رابرت، ۱۳۸۷، «انواع اومانیزم»، ترجمه هدایت علوی‌تبار، *فصلنامه فرهنگ*، تهران، شماره ۶۵.
۷. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، *گزیده اندیشه‌های سننل*، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. جوادی ارجمند، محمدجعفر، ۱۳۸۸، «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای»، *فصلنامه سیاست*، تهران، دوره ۳۹، شماره ۱.
۹. حاجی‌حیدری، حامد، ۱۳۸۴، «چشم‌انداز کلی به اجتماع‌گرایی»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۳۵.
۱۰. دوورژه، موریس، ۱۳۸۵، *اصول علم سیاست*، مترجم ابوالفضل قاضی، تهران، امیرکبیر، چ ۸.
۱۱. ساطع، نفیسه، ۱۳۸۶، «معقولیت در روشنگری و لیبرالیسم»، *فصلنامه علمی و پژوهشی دانشگاه قم*، سال هشتم، شماره ۳۱ و ۳۲.

۱۲. سریع‌القلم، محمود، ۱۳۸۲، «دگرگشت شخصیت ایرانی: سنگ‌بنای توسعه کشور»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۹۱ و ۱۹۲.
۱۳. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۸، *نظریه سیاسی اسلام*، تهران، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۴. مک‌اینتایر، آ.، ۱۳۷۸، «عقلانیت سنت‌ها»، ترجمه مراد فرهادپور، *فصلنامه ارغنون*، شماره ۱۵.
۱۵. ملکیان، مصطفی، ۱۳۸۸، «اومانیزم در ساحت انسان متجدد»، *فصلنامه اندیشه*، تهران، شماره ۲۲ و ۲۳.
۱۶. منصور، جهانگیر، ۱۳۸۶، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر دوران، چاپ ۵۴.
17. Bachvarova and Moore, 2006, *Liberalism, communitarianism and the politic of identity*, New York University, Toronto, p. 18.
18. Bender, J. And Dilipmoojee, 2008, *Communitarian Versus Universalic Norms*, Quarterly journal of political science, p. 1-2.
19. Deaux, K, 2001, *Social identity*, City university of New York, p. 3-9.
20. Lenard, P. T., 2004, *Communitarianism and communitarian critiques of liberalism*, Political philosophy lectur 8.

